



درباره تصحیح متون

# روش تصحیح نسخه‌های خطی

دکتر صلاح‌الدین منجد

ترجمه حسین خدیو جم

گروهی از این شیوه علمی و دلبستگی به سنت‌های غلط گذشته تا بدانجا بالا گرفت که هر مصحح و ناشری در کار خود شیوه‌ای را برگزید و پنداشت راه تازه‌ای ابتکار کرده است.

انصاف آن است که به فضل تقدم

خاورشناسان که از قرن گذشته برای انتشار متون عربی آغاز شده

اعتراف کنیم، زیرا آنان نخستین کسانی بودند که ما را متوجه متون

عربی و نوادر مخطوطات نمودند و متونی در دسترس ما گذاشتند

که شناسایی آنها بدون کمک ایشان ممکن نبود. خاورشناسان برای

انتشار متون عربی شیوه‌ای به کار بردند که در اروپا برای انتشار متون

کلاسیکی لاتینی و یونانی از آن پیروی می‌شد. این شیوه دقیق در

تصحیح متون، امانت را تضمین می‌کرد

و متن منتشر شده را همچنانکه در اصل

تدوین شده بود، به دست می‌داد.

در این قرن گروه خاورشناسان آلمان

DMG برای انتشار متون عربی در سلسله

انتشارات اسلامی - Bibliotheca

Islamica زیر نظر خاورشناس بزرگ هـ.

ریترو و گروه «گیوم بوده» Association

Guillaume Budé در فرانسه از این

شیوه پیروی کرده و می‌کنند، و در گذشته

تمام خاورشناسان از آن پیروی کرده‌اند.

با آنکه پیروی از این شیوه علمی که

مورد قبول خاورشناسان بوده و اطلاع به

قواعد تصحیح متون و برگزیدن مطالب

درست، بر هر مصحح و محقق فرض

دکتر صلاح‌الدین منجد از محققان دانشمند و پرکار عرب است که در محافل علمی و ادبی به خوبی شناخته شده و آثار مطبوع وی چه مؤلفات شخصی و چه کتبی که به تصحیح و تحقیق وی منتشر شده، فراوان است. دکتر منجد اهل سوریه بوده که سالها در قاهره اداره قسمت نسخه‌های خطی اتحادیه عرب را بر عهده داشته است.

رساله‌ای که ترجمه فارسی آن تقدیم خوانندگان می‌گردد، نام اصلی اش قواعد تحقیق المخطوطات است که به زبانهای گوناگونی ترجمه و در آن، حدود کار تصحیح و تحقیق به دقت تعیین شده و تمام نکاتی را که هر محقق باید در کار تصحیح رعایت کند، آشکارا و با ذکر مثال بیان گردیده است.

## پیشگفتار

یک ربع قرن است که اعراب برای بررسی و نشر میراث علمی و

ادبی خود کوششی آغاز کرده‌اند، در حالی که خاورشناسان بیشتر

از صد سال، پیش از آنان به بررسی و نشر این میراث پرداخته بودند.

گرچه گروهی از این خاورشناسان در لغت عرب یا شناخت متون

ضعیف بوده‌اند، ولی با پیروی از شیوه دقیق علمی توانسته‌اند

قسمتی از متون عربی را تصحیح و منتشر

کنند.

عرب در تصحیح و انتشار متون،

خواست شیوه خاورشناسان را دنبال

کند. عده‌ای دانشمند که به شیوه علمی

آشنا بودند در کار خود موفق شدند، و

گروه دیگر به واسطه کمی اطلاع از این

شیوه علمی، که پیروی از آن برای

تصحیح و انتشار متون بر هر محقق لازم

است، در این کار شکست خوردند.

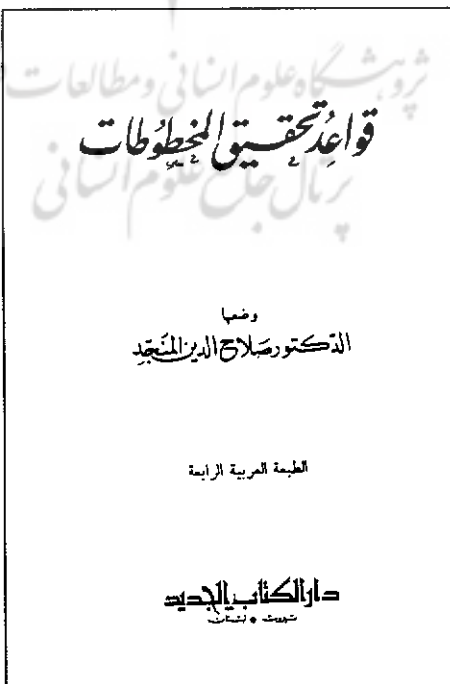
بنابراین برای پرده‌پوشی بر نقص خود

کوشیدند تا کار خاورشناسان را نادیده

انگارند یا به مسخره بگیرند.

کوچک شمردن کار خاورشناسان و

انکار شیوه علمی آنان به واسطه نادانی



است، ولی آنان که در کار تصحیح این شیوه را دنبال کرده باشند اندکند.

چون اکنون در کشورهای عربی نهضت علمی نیرومندی آغاز شده و گروه زیادی به تصحیح و انتشار متون قدیمی پرداخته‌اند، و شیوه‌هایی که این ناشران پیروی می‌کنند - همان طور که گفتیم - متفاوت است، از تنظیم قواعد علمی دقیقی که مورد قبول اهل تحقیق باشد چاره‌ای نیست. بنابراین برای آنکه شیوه‌های بررسی و انتشار متون یکی گردد، این قواعد را پیشنهاد می‌کنیم. قواعدی که نتیجه‌اش یکی شدن شیوه‌های انتشار و معرفی متون است، و ما آن را از شیوه‌های خاورشناسان آلمانی و گروه «گیوم بوده» برگزیده‌ایم و از شیوه‌ی محدثان پیشین در ضبط روایات و آنچه که درباره‌ی این موضوع پیش از این منتشر شده، بهره گرفته‌ایم. علاوه بر مواردی که ذکر شد، از مشکلاتی که در اثنای تصحیح و انتشار چند متن قدیمی پیش آمده بود، استفاده کردیم.

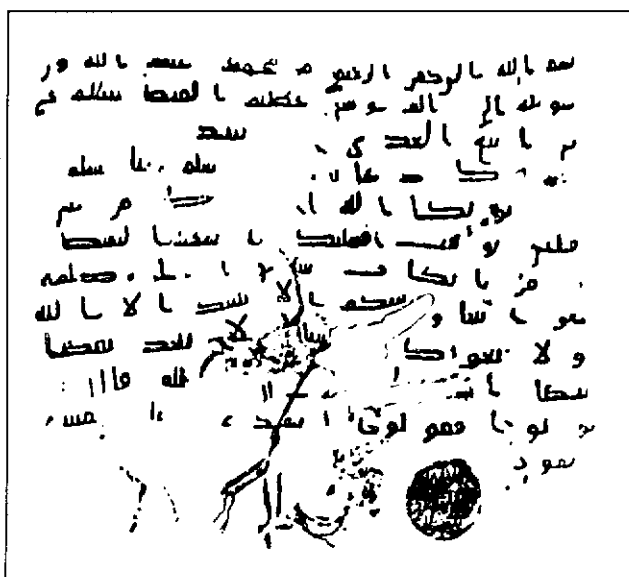
از اهل تحقیق دعوت می‌کنیم این موضوع را مورد نقد و پیروی قرار دهند، باشد که به خواست خدا در این زمینه به نتیجه‌ای که باعث یکی شدن شیوه انتشار و تصحیح متون است نائل شویم.

### کوششهای گذشته برای وضع شیوه تصحیح و انتشار متون

فقدان دلیلی که شیوه انتشار متون را رهبری کند و مورد قبول همگان باشد، بعضی مؤسسات علمی، یا انجمنها، یا دانشمندان را واداشت تا برای انتشار پاره‌ای از متون خطی شیوه‌هایی پیشنهاد کنند. حق آن است که زحمات آنان را بستاییم و برتری‌شان را یادآور شویم.

اول مؤسسه علمی که برای بررسی متون قدیم شیوه‌ای پیشنهاد کرد «مجمع علمی عربی دمشق» بود. این مؤسسه چون خواست تاریخ دمشق را منتشر کند - این کتاب مفصل‌ترین تاریخی است که درباره شهری نوشته شده و شامل هشتاد مجلد است - از دانشمندان دعوت کرد برای بررسی و تصحیح مجلدات این تاریخ، قواعدی وضع کنند که مورد استفاده مصححان واقع شود؛ و من یکی از اعضای این گروه بودم. این گروه شیوه مختصری پیشنهاد کرد که بازگو کننده شیوه‌های بزرگ تصحیح و انتشار است.

در این شیوه آمده است: «چون هدف از بررسی کتاب تقدیم متن صحیح است، بنابراین بایستی به اختلاف روایات توجه شود و مطالب درست ثبت گردد. در تعلیق، اختصار رعایت شود تا متن کتاب با تعلیقات مفصل سنگین نگردد. اعلام اعراب گذاری شود، و لغات مشکل تفسیر گردد، و از ذکر روایان احادیث چشم‌پوشی شود، و در



تصویر نامه حضرت محمد بن عبدالله (ص) به مقوقس پادشاه قبط

آشکار ساختن یک نقطه و دو نقطه و فاصله و علامتهای استفهام و تعجب برای روشن شدن مطالب متن، بخل نشود.»

از گروههای علمی رسمی که برای تنظیم این شیوه علمی کوشیده‌اند، ما تنها از گروهی که بررسی کتاب شفاء ابن سینا را به عهده گرفتند یاد می‌کنیم.

نوشته‌های آقای دکتر ابراهیم مدکور درباره «شیوه تصحیح متون» نشان می‌دهد که این گروه تا حد ممکن برای گردآوری افتادگیهای نسخه‌های خطی کتاب شفاء کوشیده‌اند و شیوه التقاطی (النص المختار) را برگزیده‌اند. یعنی از نسخه‌های خطی «که گمان می‌رفته بازگو کننده رأی مؤلف است و عباراتش نیکوآدا شده» انتخاب گردیده است، و به ذکر اختلاف روایات توجه شده، و آنچه صحت آن برای گروه مسلم شده مانند: محکمی عبارت، و درستی معنی، و لغات و تعبیرات مخصوص ابن سینا، و آنچه که مورد تأیید دیگر مؤلفات او است، در متن قرار گرفته است. اعضای این گروه فقط اختلاف روایات و شرح لغات ضروری را در پاورقی نقل کرده‌اند. این کار برای آن بوده که «متن و روایاتش با دیگر اضافات سنگین نگردد». چون بایستی «متن با روح زمان و شیوه متداول هماهنگ باشد، علامات و شماره‌گذاریها را گسترش داده‌اند.»

شبهت شیوه گروه مجمع علمی دمشق و شیوه گروه محققان کتاب شفاء آشکار است.

اما از افرادی که درباره شیوه تصحیح و نشر متون چیزی نوشته‌اند، دکتر محمد مندور و آقای عبدالسلام هارون را

۳. پس از آنکه محل نسخه‌ها را شناختیم بایستی برای شناختن نسخه‌ها به کمک فهرستها اولین تحقیق را آغاز کنیم و نسخه‌های مورد نیاز را برگزینیم و از آنها عکس بگیریم تا تصویر متن صحیح را که از تصحیف و تحریف بعدیها مصون مانده است در اختیار داشته باشیم.

۴. از نسخه‌هایی که در کتابخانه‌های فهرست نشده یافت می‌شود بایستی اول عکس گرفته شود و سپس مورد بررسی واقع گردد.

#### ب- ترتیب نسخه‌ها

ترتیب نسخه‌ها به شرح ذیل است:

۱. بهترین نسخه‌ای که برای تصحیح و نشر بایستی متن قرار گیرد، نسخه‌ای است که به وسیله خود مؤلف کتابت شده باشد.

۲. پس از دست یافتن به نسخه مؤلف باید تحقیق کنیم که مؤلف کتابش را در یک مرحله تألیف کرده یا در چند مرحله، تامطمئن شویم نسخه‌ای که در اختیار ماست، آخرین شکلی که مؤلف برای کتاب خود وضع کرده می‌باشد.

۳. پس از نسخه مؤلف نوبت به نسخه‌ای می‌رسد که مؤلف آن را پس از کتابت دیگران خوانده است، یا آنکه برایش خوانده شده و مؤلف با خط خود اعتراف کرده که نسخه را خوانده یا برایش خوانده‌اند.

۴. آنگاه نوبت به نسخه‌ای می‌رسد که از نسخه مؤلف نقل شده یا آنکه با آن مقایسه و مقابله گردیده است.

۵. نسخه‌ای که در زمان حیات نویسنده کتابت شده و دارای تعلیقات و حواشی دانشمندان باشد.

۶. نسخه‌ای که در روزگار مؤلف کتابت شده و فاقد این تعلیقات باشد.

۷. نسخه‌های دیگری که پس از درگذشت مؤلف کتابت شده. این نسخه‌ها بر دو دسته‌اند: قدیم و جدید، که قدیم بر جدید مقدم است، و آنچه دانشمندی استنساخ کرده باشد یا برای دانشمندی قرائت شده و مورد تأیید واقع شده باشد برتری دارد.

گاهی چند حالت پیش می‌آید، یکی آنکه به نسخه جدید صحیح و دقیق‌تری برمی‌خوریم که بر نسخه قدیمی‌ای که در آن تصحیف و تحریف شده باشد برتری دارد، دیگر آنکه به نسخه بسیار متأخری برمی‌خوریم که مستقیماً از روی نسخه مؤلف یا از روی نسخه معاصر مؤلف یا غیر از این موارد خاص، به شکلی نیکو نسخه برداری شده است.

اگر به نسخه مؤلف دست نیافتیم باید هدف از تحقیق، رسیدن

اولی به اختصار از شیوه‌های تصحیح متون کلاسیکی در دو مقاله که در مجله‌الثقافة منتشر شده بحث کرده است و کتاب قوانین الدواوین ابن مماتی<sup>۳</sup> را مورد نقد قرار داده است.

دومی کتابی به نام تحقیق النصوص و نشرها<sup>۴</sup> تألیف کرده است. این کتاب شامل سخنرانیهای مؤلف است که برای دانشجویان دانشسرای [قاهره] ایراد شده است. این کتاب کم عمق، شامل اطلاعات گوناگون بسیار است. مثلاً از اینکه «تمدن عربی چگونه به ما رسیده» و از «ورق و ورقان» و از «انواع خط» بحث کرده است. با آنکه در سالهای اخیر درباره این مطالب بحثهای عمیقتر و کاملتری منتشر شده، مؤلف از آنها بهره نگرفته است.<sup>۵</sup> آنگاه از اساس «متون» و «مکملهای تازه» و مطالبی غیر از اینها که در کار تصحیح و نشر مورد نیاز هر مبتدی می‌باشد، سخن گفته است.

انتقادی که بر مؤلف آن وارد است آنکه ابدأ به نوشته‌های اروپاییان در این زمینه توجهی نکرده تا کتابش بی‌نقص و شیوه‌ای که عرضه می‌کند کامل باشد. مؤلف میان شیوه بررسی متون و علمی که به کار تحقیق کمک می‌کند، مانند خط شناسی یا مأخذ شناسی و غیر آنها را باهم در آمیخته؛ در حالی که می‌دانیم مطالبی که این دو علم برای آشنایی به شیوه علمی تحقیق پیشنهاد می‌کنند، بسیار مفصل است و ادای حق آنها در چند صفحه امکان پذیر نیست. در اینجا ما از پیدایش تألیف یا علم خط شناسی و مأخذ شناسی یا شیوه ناسخان یا اصطلاحات حدیث بحث نمی‌کنیم - گرچه تمام اینها به شیوه تحقیق کمک می‌کنند - زیرا هر کس که به تصحیح و نشر متون می‌پردازد، باید قبلاً از این مطالب باخبر باشد. بنابراین سخن خود را درباره شیوه‌های علمی تحقیق که محققان را در کار بررسی متون و ترتیب آنها کمک می‌کند، کوتاه می‌کنیم.

#### گردآوری و ترتیب نسخه‌ها

##### الف - گردآوری

۱. چون بخواهیم یکی از متون قدیمی را بررسی کنیم، در درجه اول باید تا حد امکان برای شناختن نسخه‌های متعددی که گاهی به صورت پراکنده در کتابخانه‌های جهان یافت می‌شود اقدام کنیم.

۲. این کار با رجوع به کتاب بروکلیمان GAL و ضمائم آن امکان پذیر است. اگر این کتاب برای حل مشکل کافی نباشد، بهتر است به فهرست مخطوطات عربی کتابخانه‌هایی که اطلاع از آنها برای بروکلیمان ممکن نشده، یا به آنچه پس از تکمیل ضمائم کتاب بروکلیمان فهرست شده، رجوع شود.

به نزدیکترین شکلی باشد که مؤلف آن را تألیف کرده است و از تصحیف و تحریف برکنار است، زیرا بطور کلی هرچه تاریخ تحریر نسخه خطی از روزگار مؤلف دور شود تحریفات نسخه برداران در آن افزون می‌گردد.

۸. اگر برای کتابی نسخه‌های شناخته شده دیگری وجود داشته باشد برای آنکه کتاب پس از انتشار به بررسی و اعراب گذاری مجدد نیازمند نگردد تصحیح و نشر آن به اعتماد یک نسخه جایز نیست.

#### ج- دسته بندی

بعضی کتابها با گذشت زمان مورد قبول همگان واقع شده و در نتیجه نسخه‌های خطی آن افزون گردیده است. در این نسخه‌های متعدد گاهی دیده می‌شود که سه نسخه یا بیشتر و کمتر، در اشتباهات یا پاورقی یا کم و زیادی متن بسیار شباهت دارند که از اصل واحدی نقل گردیده است. در چنین مواردی نسخه‌های متشابه را دسته بندی می‌کنیم و برای هر دسته حرفی به علامت اختصار تعیین می‌کنیم، مانند (دسته الف، دسته ب، دسته ج) و از هر دسته نسخه‌ای برمی‌گزینیم تا هنگام ثبت اختلاف نسخه‌ها، مورد استشهاده واقع شود.

#### بررسی متن

##### هدف از تحقیق و شیوه آن

هدف از تحقیق ارائه متن صحیح است، بدون شرح، به شکلی که مؤلف تدوین کرده است. بیشتر محققان متوجه این نکته نیستند، در نتیجه، پاورقیها را از شرح و زوائد پر می‌کنند، از قبیل: شرح لغات، شرح اعلام و نقل مطالبی از کتب چاپی که در متن به آنها اشاره نشده و تعلیق بر سخن مؤلف. این شرحهای مفصل و کسل کننده گاهی خواننده را از مطالعه متن باز می‌دارد.

بررسی متون بایستی به شیوه ذیل انجام شود:

۱. تحقیق در صحت کتاب و نام آن و انتسابش به مؤلف.
۲. اگر نسخه را مؤلف با خط خود نوشته، بایستی رسم الخط آن به همان صورت حفظ شود.
۳. اگر مؤلف قسمتهایی را که از کتب دیگران نقل کرده، مأخذش را یادآور شده بایستی آن مطالب به همان شکل عرضه شود و به کم و زیادی یا درستی و نادرستی کار او به اختصار در پاورقی اشاره شود. مثلاً گفته شود: این متن در فلان کتاب با اختلاف لفظ یا زیادی یا غیر آن آمده است.

۴. گاهی مؤلف مأخذ خود را ذکر نمی‌کند، در این صورت اگر محقق مأخذ را می‌شناسد، بهتر و اطمینان بخش تر خواهد بود که هر مطلبی را به مأخذش ارجاع دهد.

این دو مطلب (۳ و ۴) فقط برای اطمینان از درستی متن مورد استفاده واقع می‌شود.

۵. گاهی قلم بر مؤلف پیشی می‌گیرد، یا حافظه به او خیانت کند، در نتیجه لغت یا اسمی اشتباه ثبت می‌گردد، محقق می‌تواند این اشتباه را در پاورقی اصلاح کند، و متن را همان طور که هست حفظ نماید. زیرا متنی که مؤلف با خط خود نوشته گواه بر اندیشه و دانش و شخصیت علمی او است.

۶. اگر نسخه‌ها مختلف باشند، یک نسخه را به عنوان اساس کار برمی‌گزینند تا متن اصلی حفظ شود.

۷. در پاورقی به اختلاف نسخه‌ها یعنی اختلاف روایتها اشاره می‌شود.

۸. در صورت وجود اختلاف روایت، پس از تحقیقی که مصحح برای درستی هر روایت انجام می‌دهد، آنچه از لحاظ درستی برتری دارد در متن می‌آید و عبارت تصحیف و تحریف شده یا مطلب اشتباهی دیگر، در پاورقی ذکر می‌گردد.

۹. اگر در یکی از نسخه‌ها مطلبی دیده شود که در نسخه اصل نیامده، بایستی آن مطلب به نسخه اصل افزوده گردد و در پاورقی به آن اشاره شود. البته این کار وقتی صحیح است که برای محقق مسلم شود زیادی مربوط به اصل کتاب است و از طرف ناسخ نیست، در غیر این صورت زیادی را می‌توان در پاورقی نقل کرد یا به آن اشاره نمود.

۱۰. اگر حرفی یا کلمه‌ای از متن افتاده باشد، محقق مجاز است افتادگی را به متن اضافه کند. مشروط بر آنکه کلمه اضافی را در پراکنش بگذارد (رک: رمزها). قدما افزودن آنچه از سند یا متن حدیث افتاده باشد و تجدید نوشته‌های محو شده کتب حدیث را مجاز دانسته‌اند.<sup>۶</sup>

۱۱. اگر در نسخه‌ای پارگی یا سوراخی ایجاد شود و مقداری از متن از بین برود و قسمت از بین رفته در نسخه‌ای دیگر - خطی یا چاپی - موجود باشد و آن متن از مصدر اول نقل شده باشد، می‌توان افتادگی را از روی آنها تکمیل کرد و در پاورقی این مطلب را یادآور شد و افزودگی را در پراکنش قرار داد (رک: رمزها). اما اگر محقق افتادگی یا قسمت نانوشته را در مأخذ دیگر نیافت، بایستی متن را به همان صورت باقی گذارد و در پاورقی به مقدار افتادگی یا نانوشته اشاره کند.

۱۲. بعضی از مصححان در صورت وجود نسخه‌های متعدد، از گزینش یک نسخه مورد اعتماد خودداری می‌کنند، یعنی در آن واحد به چند نسخه تکیه می‌کنند. گرچه این شیوه برای مصحح گاهی

و خالد به جای «خلد» و معاویه به جای «معویه» و مروان به جای «مرون» و مالک به جای «ملک».

در اینجا تذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که مجمع علمی عربی هنگام انتشار تاریخ دمشق نظر دارد، اسمهایی که در قرآن آمده با رسم الخط قدیمی باقی بماند مانند: اسحق، ابراهیم، اسمعیل.

به عقیده من، الف بعضی از کلمات که در گذشته حذف شده بهتر است گذارده شود، مانند: لکن بجای «لکن» و هاؤلاء بجای «هؤلاء» و هاذا بجای «هذا» الخ. باید دانست که امروز در کشور مغرب (مراکش) این الف را در کتابت تمام این کلمات می‌گذارند.

۵. جدا نوشتن اعداد مانند: سبع مئة بجای سبعمئة یا سبعمایة، و ثلاث مئة بجای ثلاثمئة یا ثلاثمایة.

لازم به یادآوری نیست که محقق در مقدمه کتاب هنگام معرفی نسخه بایستی رسم الخط اصلی کتاب و نمونه‌هایی از آن و شیوه‌ای را که مصحح برای تبدیل آنها برگزیده است یادآور شود.

### علامتهای اختصاری

گاهی در متون به کلمه‌ها و جمله‌هایی برمی‌خوریم که بسیار تکرار شده‌اند مانند: صلوات بر پیامبر، و رحمه الله پس از ذکر درگذشتگان، و رضی الله عنه در مورد ذکر نام صحابه، و کلمات حدثنا و أخبرنا و أنبأنا در کتب حدیث. قدما برای تعدادی از این گونه کلمات، علائم اختصاری وضع کرده‌اند و اسامی بعضی از کتابها را مختصر کرده و با یک یا دو حرف به آنها اشاره نموده‌اند.

برخی از این علامتهای اختصاری چنین است:

رحه	رحمه الله
تع	تعالی
رضه	رضی الله عنه
الخ	إلی آخره
اهـ	إنتهی
ثنا	حدثنا
انا	أخبرنا
انبا	أنبأنا

گاهی علامتهای اختصاری کلمات حدثنا، أخبرنا، انبأنا را نه تنها در مورد اسناد حدیث به راویان بکار می‌برند، بلکه در خود متن نیز ذکر می‌کنند.<sup>۸</sup> در کتب حدیث برای اسامی ششگانه حدیث صحاح سنه و غیر آنها علامت اختصاری می‌گذارند مانند: بخاری (خ)، مسلم (م)، ترمذی (ت)، ابی داود (د)، نسائی (ن)، و قزوینی (ق).<sup>۹</sup>

آزادی نامحدود ایجاد می‌کند، ولی نمی‌توان مطمئن بود که با این آزادی از لغزش مصون بماند، مگر آنکه مصحح در شناخت مؤلف کتاب و سبک و زبان او و شناخت خود کتاب توانایی کافی داشته باشد. با این همه بهتر است به یک نسخه اعتماد کرد و آن را با دیگر نسخه‌ها مقابله نمود و ضبطهای نیکو و درست را برگزید.

۱۳. محققان قدیم اگر از کتابی دو نسخه می‌یافتند، یکی را با دیگری مقابله می‌کردند و موارد اختلاف را در حاشیه یکی از آنها نقل می‌کردند و می‌نوشتند: «فی نسخه کذا». در این گونه موارد آنچه در حاشیه نقل شده معتبر است. مصحح می‌تواند میان حاشیه با متن یکی را برگزیند و در پاورقی به آن اشاره کند.

۱۴. گاهی دانشمندی کتابی را مطالعه و بعضی عباراتش را اصلاح می‌کند، این عبارات اصلاح شده به ارزش نسخه می‌افزاید. اگر مصحح با آن تصحیح موافق باشد می‌تواند عبارت اصلاح شده را در متن قرار دهد و در پاورقی به اصل آن اشاره کند. به طور کلی در پاورقی بایستی به تمام تعلیقات و حواشی نسخه اشاره شود.

### رسم الخط

اگر نسخه به خط مؤلف باشد، حق آن است که مصحح، متن را به همان صورتی که مؤلف تدوین کرده نقل کند.

ولی چون خط عربی با گذشت زمان تغییر کرده، بهتر است متن را با رسم الخطی که امروز متداول است منتشر کنیم. قدما این کار را مجاز دانسته‌اند.<sup>۷</sup> گاهی به کتب قدیمی برمی‌خوریم که کلماتش بدون نقطه است، و امروز انتشار آن بدون نقطه ممکن نیست و گاهی به متونی برمی‌خوریم که اعراب و شکل در آنها رعایت نشده، یعنی فاقد همزه و ضمه و فتحه یا کسره و تشدید و جزم است و اگر آن را به شکل اولیه باقی گذاریم، اشتباه پیش می‌آورد. در این صورت بهتر است دستورات ذیل رعایت شود:

۱. همزه ابتدا را - بخصوص اگر معنی را عوض کند - بایستی همیشه بگذارند، مانند: أعلام و إعلام (به کسر همزه دومی).

۲. برای رفع اشتباه میان «الف مقصوره» و «ی» - در مواردی که ممکن است در قرائت آنها اشتباه شود - بایستی در زیر «ی» دو نقطه بگذارند، مانند اُبی و اُبی.

متأسفانه در مصر حروف چاپی «ی» فاقد این دو نقطه هستند. ۳. تشدید را همیشه باید گذاشت.

۴. کتاب اسمهای علم همچنان که امروز متداول است، ضروری می‌باشد، مانند: سلیمان به جای «سلیمان» و حارث به جای «حرث»

بعضی از خاورشناسان در مورد کلماتی که زیاد تکرار می‌شود، پیروی از این شیوه را مجاز می‌دانند، در مورد نام مآخذی که در پاورقی تکرار می‌شود نیز پیروی از این شیوه امکانپذیر است (رک: مصادر).

۷. بهتر است متون منظوم و منثور را سطر بندی کنند، یعنی سطرها را پنج به پنج یا سه به سه شماره گذاری نمایند.

### نقطه و فاصله و رمز

۱. نقطه را در پایان جمله‌هایی که معنی آنها تمام شده می‌گذارند.

۲. فاصله (ویرگول) را چنین (،) می‌گذارند، و این فاصله را نباید همراه نقطه بنویسند. (یعنی بدین شکل ؛).

۳. علامت استفهام و تعجب (؟-!) را در موارد مناسب می‌گذارند.

۴. پس از مشتقات کلمه قول دو نقطه می‌گذارند، مانند قال محمد:

اگر در جمله دو قول باشد، دو نقطه را بایستی پس از قول دوم بگذارند، مانند: قال خالد، قال محمد:

۵. در متونی که سجع به کار رفته، سجعها را با ویرگول از یکدیگر جدا می‌کنند.

۶. اگر در متن افتادگی پدید آمده باشد، به جای افتادگی نقطه می‌گذارند، یعنی به جای هر کلمه افتاده سه نقطه می‌گذارند (...).

### پرانتز و خط و رمز

( ) آیات قرآن را در داخل این گونه پرانتزها ثبت می‌کنند. «فاصله مزدوج (گیومه) اگر نام کتابی در متن آمده باشد باید آن را داخل گیومه بنویسند.

- - دو خط کوتاه (دو تیره) علامتی است که در دو طرف جمله‌های معترضه می‌گذارند.

|| دو خط عمودی، جملات نسخه دوم را که در اصل متن نیامده در میان می‌گیرند.

< > پرانتز شکسته، آنچه مصحح از پیش خود اضافه می‌کند مانند حروف و کلمه‌ای که مناسب با سیاق جمله است باید در این علامت ثبت شود.

[ ] دو قوس مربع، مطالبی که از نسخه دوم به نسخه اصلی اضافه شده یا به آن استشهاد گردیده و عنوانهای تازه‌ای که به اصل متن افزوده شده، بایستی در این علامت قرار گیرند.

( ) پرانتز عادی، این پرانتز داخل متن می‌آید و روی برگ مخطوط را در میان می‌گیرد. مثلاً می‌نویسند (۲۵ آ).

( ) همچنین این پرانتز داخل متن پشت برگ مخطوط را در میان می‌گیرد مانند (۱۵ ب). یعنی صفحات فرد مخطوط را با علامت «آ»

### شکل اعراب

برای اعراب گذاری متن باید به شیوه ذیل عمل شود:

۱. اگر تمام یا قسمتی از متن معرب باشد، باید تمام متن اعراب گذاری شود.

۲. اعراب گذاری آیات قرآنی و احادیث واجب است.

۳. برای اشعار و امثالی که خواندن آنها دشوار است، اعراب می‌گذارند.

۴. کلماتی که معنی آنها بدون اعراب تولید اشتباه می‌کنند مانند: فعل ماضی معلوم و مجهول (ضرب به فتح ضاد، و ضرب به ضم ضاد) باید اعراب گذاری شوند.

۵. اسمهای علم عجمی که معرب یا مرکب شده‌اند باید با رجوع به کتب رجال و تذکره‌ها معرب شوند.

۶. اگر متن از اساس معرب بوده یا بعداً به وسیله دیگران معرب شده، باید در مقدمه ذکر گردد.

### عنوانها

عنوان بابها و فصلها را با حروفی بزرگتر از حروف متن ثبت می‌کنند.

### تقسیم متن و شماره گذاری آن

۱. تقسیم و ترتیب و فصل بندی مؤلف، در چاپ باید رعایت شود.

۲. در متنهایی که از اساس برای آنها تقسیمی نشده، اگر لازم باشد می‌توان آنها را به صورتی فصل بندی کرد که به متن خللی وارد نشود و برای هر فصلی عنوانی تعیین نمود و در پرانتز ( ) نوشت.

۳. اگر متن تقسیم بندی شده باشد، ابواب آن را شماره گذاری می‌کنیم.

۴. اگر متن مورد تصحیح، ترجمه باشد، نام مترجم را با حروفی کوچکتر از متن، بالای حاشیه در کنار صفحه یا در وسط صفحه می‌گذارند، و شماره رجوع می‌دهند.

۵. در کتب حدیث، احادیث را شماره گذاری می‌کنند.

۶. دیوانهای شعر را به شکلی که فصل بندی شده باقی می‌گذارند، یا قوافی را به ترتیب حروف الفبا مرتب می‌کنند و قصاید و قطعات را شماره گذاری می‌کنند.



## اجازات و سماعات

۱. چون اجازات (دست به دست شدن یا شنیدن از کسی یا خواندن حدیث بر کسی) برای تحقیق در احوال رجال حدیث و شناخت زمان آنان اهمیت دارد، باید هنگام انتشار کتب حدیث، اجازاتی که در نسخه‌های خطی ثبت شده در متن چاپی آورده شود.
۲. هر سطری که در آن اجازه یا سماع است، جداگانه نقل می‌کنند.
۳. این سطرها را شماره می‌گذارند و شماره‌ها را در داخل پرانتز ( ) قرار می‌دهند.
۴. برای سماعات، علامت اختصاری می‌گذارند و حروف این علامات، باید از حروف متن نازکتر باشد.
۵. سماعات را با حروفی ریزتر از حروف متن ثبت می‌کنند. پس از نقل سماع باید نام شنونده و خواننده و نویسنده سماع و تعداد شنوندگان و مکان سماع و تاریخ سماع ذکر شود.

## فهرست‌ها

- هدف از فهرست نویسی، آسان کردن بهره‌گیری از مطالب کتاب منتشر شده است، به طوری که برای هر محقق دست یافتن به مطالب کتاب ممکن باشد. بدین سبب کتبی که خاورشناسان منتشر کرده‌اند، به واسطه فهرست‌های سودمندی که برای آنها تنظیم شده بسیار مورد استفاده واقع گردیده است.
- فهرست‌ها به واسطه اختلاف موضوع کتاب متفاوتند. برای تمام مطالب سودمند هر کتاب می‌توان فهرستی جداگانه تنظیم کرد که برای دیگر کتابها بندرت تنظیم می‌شود، ولی باید دانست که این گونه فهرست‌ها را ابتکار نمی‌نامند. بعضی از محققان در تنظیم فهرست برای مطالب بی‌فایده افراط کرده‌اند.
- گروهی برای لغاتی که در فرهنگها آمده فهرست وضع کرده‌اند؛ این کار شگفتی است، زیرا فرهنگها خود فهرست تنظیم شده‌اند. فهرست‌های تقلیدی که امروز تنظیم می‌شوند عبارتند از:
۱. فهرست اعلام: مردان، زنان، قبایل، خاندانها و...
  ۲. فهرست اماکن و کشورها.
  ۳. فهرست کتبی که در متن آمده، این فهرست برای شناسایی مآخذ مؤلف - که گاهی زیاد است - سودمند می‌باشد.
- آنگاه برای هر کتاب به تناسب موضوع فهرستی تنظیم می‌کنند. برای دیوان شعر یا کتاب ادبیات، فهرست قوافی اشعار وضع می‌کنند. برای کتب حدیث فهرست احادیث تنظیم می‌کنند و حروف اول آنها را به ترتیب الفبا مرتب می‌سازند. برای کتب

جغرافیایی فهرست اماکن تاریخی و نقشه برداری [حفاری] تنظیم می‌کنند. برای کتب تذکره از ذکر اعلام خودداری می‌کنند و فقط برای نویسندگان یا گوینده شرح حال فهرست تنظیم می‌کنند. برای کتب تاریخ، فهرست مهمترین حوادثی که در کتاب آمده است وضع می‌کنند و امثال اینها.

بنابراین تنظیم فهرست لغاتی که نشانه تمدن گذشته است و لغاتی که در فرهنگها نیامده و گاهی به حسب تصادف در هر کتاب پیش می‌آید ضروری است، زیرا امکان دارد در آینده از مجموع این فهرست‌ها فرهنگ لغاتی تألیف گردد که در فرهنگهای موجود یادی از آنها نشده است. چون فرهنگهای موجود با تطور و گسترش لغت همگام نبوده‌اند.

فهرست بر دو نوع است:

۱. فهرست‌های ساده و معمولی که در آنها اسم علمی ذکر می‌شود و به شماره صفحاتی که این علم در آنها آمده است اشاره می‌شود.
  ۲. فهرست‌های مفصل که اسم علم را در آنها نقل می‌کنند و سپس به واسطه هر اشاره کوچکی که در هر صفحه کتاب به آن علم شده از او یاد می‌کنند. به این گونه فهرست‌ها باید فهرست موضوعی - که اخیراً بعضی از محققان به تنظیم آنها پرداخته‌اند - افزوده گردد. تنظیم فهرست موضوعی به کوشش بسیار نیازمند است، ولی سود فراوان هم در بر دارد.
- به هر حال آنان که به کار تنظیم فهرست می‌پردازند باید به شیوه تحقیق آشنا باشند.

## شیوه نگارش مقدمه

پس از آنکه مصحح از چاپ متن فارغ شد باید به نوشتن مقدمه بپردازد. این کار برای آن است که گاهی مصحح ناچار می‌شود در مقدمه به صفحات کتاب اشاره کند و این کار امکانپذیر نیست، مگر آنکه چاپ تمام متن به پایان رسیده باشد.

مقدمه باید شامل سه مطلب باشد:

۱. معرفی موضوع کتاب و مطالبی که قبلاً درباره کتاب تألیف شده.
۲. معرفی خود کتاب و مقام آن در میان کتبی که در همین موضوع تألیف شده، و معرفی مطالب تازه‌ای که به خوانندگان این کتاب عرضه می‌شود، و ارزش تألیف و مقام مؤلف و شرح حال او با ذکر مآخذ.
۳. معرفی نسخه‌ای که برای تصحیح برگزیده شده و متن قرار گرفته است، برای معرفی نسخه خطی بایستی دستورهای زیر



رعایت شود:

نوشته شده).

۱۳. ارائه عکس صفحات اول و آخر یا هر صفحه جالب دیگر از متن کتاب. در ذیل عکسها باید به محل صفحه در متن اشاره شود. اگر نمونه‌ای از خط مؤلف یافت شود بهتر است تصویر آن به کتاب چاپی افزوده گردد.

۱۴. اگر نسخه‌های مورد اعتماد متعدد باشد، باید همه را معرفی کنند.

۱۵. پس از معرفی نسخه مخطوط جدول علایم اختصاری و رمزها را قرار می‌دهند مانند: رمز نسخه‌ها و رمز پرازنرها و...

### فهرست مآخذ

برای بررسی و تصحیح هر متن، محقق به مآخذ زیادی رجوع می‌کند که در مقدمه یا پاورقی از آنها یاد می‌کند. برای این مآخذ باید در آخر کتاب فهرستی تنظیم شود و نام کتاب و مؤلف و تاریخ چاپ و مصحح آنها باید در این فهرست ذکر گردد. در مورد کتب چاپی پس از نام مؤلف، نام مصحح کتاب را ذکر می‌کنند. مانند: معجم البلدان، تألیف یاقوت حموی، تصحیح و ستنفلد، چاپ لایپزیک ۱۸۷۰. اگر برای ذکر مآخذی که در پاورقی نقل خواهد شد به شیوه اختصاری عمل می‌کنند باید علامت اختصاری را با اسم کامل آن در جدولی ذکر کنند. مانند: وفیات = وفیات الأعیان، تألیف ابن خلیکان قاهره سال فلان.

\*\*\*

این بود شیوه‌های عمومی که در تصحیح متون باید از آنها پیروی شود. در تنظیم این مجموعه شیوه صحیحی برگزیدیم که از تقلید کورکورانه از خاورشناسان برکنار است، و از پریشانی و بی‌هدفی که در کار بعضی از مصححان عرب دیده می‌شود خالی است.

[روش تصحیح نسخه‌های خطی. چاپ دوم. تهران: انتشارات آبان، ۱۳۵۵]

۱. معرفی آنچه بر صفحه اول کتاب ثبت شده، مانند: نام کتاب، نام مؤلف، و تحقیقی درباره درستی نام کتاب و انتساب آن به مؤلف.

۲. ذکر تاریخ نسخه‌ها و نام کاتب نسخه. از کسانی که نام این اثر را در تألیفات خود آورده‌اند در صورت امکان یاد شود.

۳. اگر کتاب از نام مؤلف بی‌نصیب باشد، مصحح باید برای معرفی مؤلف کوشش کند. یعنی از موضوع و سبک کتاب، و اعلام متن و سخن مؤلفانی که در آثار خود از دیدار و ملاقات این مؤلف گمنام یاد کرده‌اند برای شناخت او باید استفاده شود.

۴. تعیین تعداد صفحات مخطوط و اندازه‌گیری طول و عرض آنها و تعداد سطرها در هر صفحه و طول هر سطر و تعیین پاورقی‌ها و ابعاد آنها ضروری است.

۵. تعیین نوع خط و اینکه آیا مخطوط با یک خط نوشته شده یا با دو خط متفاوت...

۶. معرفی رسم الخطی که کاتب از آن پیروی کرده و ذکر نمونه‌هایی از لغاتی که مصحح رسم الخط آنها را در چاپ تغییر داده است.

۷. معرفی نوع مرکب و اختلاف رنگ آن. گاهی متن را با مرکب سیاه می‌نویسند و سرفصلها را با جوهر قرمز، و گاهی فاصله‌ها را با جوهر قرمز و آبی می‌نویسند. به تمام این موارد باید اشاره شود.

۸. معرفی کاغذ و نوع آن.

۹. افزودگیها.

۱۰. تعلیقات در پاورقی.

۱۱. اجازات (مناوله، اجازه قرائت، اجازه سماع) در مقدمه به تمام اینها اشاره می‌شود، و اصل آنها به آخر کتاب افزوده می‌گردد.

۱۲. تملیکات (معرفی کسانی که مالکیت آنان بر صفحات کتاب

### پی‌نوشتها:

۱. رک: مقدمه جلد اول تاریخ دمشق.
۲. رک: کتاب شفاء (المنطق)، مدخل. مقدمه دکتر مدکور ص ۴۲-۳۸ (قاهره ۱۹۵۳).
۳. رک: مجلة الثقافة شماره ۲۷۷ و ۲۸۰ سال ۱۹۴۴.
۴. عبدالسلام هارون، تحقیق النصوص و نشرها (قاهره ۱۹۵۴).
۵. رک: مقاله دکتر یوسف العیش ذیل عنوان «التدوین و المعاجم» مجلة مجمع علمی دمشق،

جلد ۱۶ سال ۱۹۴۱ ص ۴۲۲ و نوشته دکتر محمد حمید الله ایضاً درباره «التدوین» هنگام تصحیح «صحیفة همام بن منبه» مآخذ سابق ج ۲۸ ص ۹۶، و مقاله حبیب زیات درباره «الوراقة والوراقین» مجلة مشرق ج ۴۱ ص ۳۰۵، و مقاله کور کیس عواد درباره «الکاغذ والورق» مجلة مجمع علمی دمشق ج ۲۳ ص ۴۰۹ و مجلة سومر.

۶. آقای هارون، متن مهمی از ابن کثیر را در این زمینه در کتاب خود نقل کرده است. رک: تحقیق

النصوص (قاهره ۱۹۵۴).

۷. رک: الصلاح الصفدی در مقدمه الوافی بالوفیات، ج اول (تحقیق ه. ریتز) استامبول ۱۹۳۴.
۸. رک: نسخه حسینی ذیل «علی البحر» (نسخه عارف حکمة در مدینه).
۹. رک: ابن عساکر، معجم الشیوخ النبیل (نسخه‌ها در دمشق و خالذیه در بیت المقدس) در مقدمه می‌گوید: «برای هر یک از این گروه حرفی قرار دادم تا به نویسندگانش کم‌فرصت کمک کنم، زیرا جزء، نماینده کل است.»